



حتی در هنگام بذل و بخشش هم باید با این قوانین آشنا باشید!

مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد...

مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد، آشنایی با حقوق متقابل افراد با یکدیگر و قانون است که مهمترین اثر این آشنایی و آگاهی را می توان در پیشگیری از وقوع بسیاری از مشکلات حقوقی دانست؛ بنابراین، امروز تلاش داریم تا موضوع عقد هبه را بررسی کنیم.

وقتی چیزی را به دیگری می بخشیم، شاید تصور اینکه پشت این بذل و بخشش چه مباحث حقوقی و قضایی نهفته است برایمان دشوار باشد؛ اما نباید فراموش کرد که بخشیدن یک مال مترادف با انعقاد عقد هبه است و این قرارداد شرایط خاصی دارد.

*عقد هبه چیست؟

براساس ماده 795 قانون مدنی، هبه عقدی است که به موجب آن يك نفر مالي را به رایگان به شخص دیگری تملیک می کند؛ به عبارت دیگر او مال خود را به طور مجانی به ملکیت دیگری در می آورد.

در این عقد سه طرف وجود دارد: واهب، متهب و عین موهوبه؛ واهب کسی است که مالش را تملیک می کند، متهب کسی است که مال به ملکیت او در می آید و عین موهوبه هم مالی است که مورد هبه واقع می شود.

*دریافت مال، لازمه وقوع عقد هبه است

طبق قانون، عقد هبه واقع نمی شود، مگر با قبول متهب و قبض او. با توجه به این تعریف، مادامی که متهب مال را قبض (دریافت) نکرده باشد، عقد هبه منعقد نشده است؛ بنابراین رجوع هم موضوعیت نمی یابد و واهب می تواند هر زمان که بخواهد آن مال را پس بگیرد.

اگر عقد هبه منعقد و عین موهوبه هم قبض شده باشد، واهب در صورتی می تواند از عقد رجوع کند و مال موهوبه را پس بگیرد که دو شرط محقق شده باشد:

1- عین موهوبه موجود باشد

2- حق رجوع واهب از بین نرفته باشد. شرط اول که روشن است؛ چنانچه عین مال از بین رفته باشد؛ دیگر امکان رجوع وجود نخواهد داشت.

*مزیت هبه نامه و های رسمی

هبه های با سند رسمی (هبه نامه و های رسمی) دارای يك مزیت به خصوص هستند؛ مزیتی که تنها مختص به آنها است و در دیگر انواع هبه ها یافت نمی شود. در مورد هبه نامه و های رسمی امکان انکار و تردید وجود ندارد؛ بنابراین هیچ ویک از خواهان و خوانده نمی تواند مدعی شود که در صحت و اصالت سند مزبور مردد است؛ چرا که این ادعا از نظر قانونی پذیرفتنی نیست.

اما در مورد هبه نامه و های غیر رسمی یا عادی ادعای انکار و تردید مسموع خواهد بود و با طرح هر یک از دو ادعای انکار یا تردید دادگاه موظف می شود تا بدون تعلل سند را مورد بررسی قرار دهد و بعد از دقت فراوان در مورد اعتبار آن حکم کند.

*رجوع از هبه

برای رجوع از هبه &ZWNJ;نامه، واهب به دادگاه حقوقی مراجعه و دادخواست ارائه می&ZWNJ;کند. در محکمه نیز یکی از این دو حالت دیده می&ZWNJ;شود: نخست اینکه هبه ثبت شده و دارای سند رسمی است. در این حالت واهب بدون اینکه نیاز باشد هبه را به اثبات برساند درخواست رجوع خود را مطرح می&ZWNJ;کند.

اما دیگری، زمانی است که هبه به صورت رسمی به ثبت نرسیده است. (هبه&ZWNJ;نامه عادی یا هبه شفاهی). در این حالت واهب مکلف است تا در دادگاه نخست انعقاد عقد هبه را به اثبات برساند آنگاه اعلام کند که می&ZWNJ;خواهد از عقد رجوع کند.

*زنی که مهر خود را به همسرش هبه کرده است

یک حقوقدان در پاسخ به این سوال که آیا زنی که مهر خود را به همسرش هبه کرده است می&ZWNJ;تواند از هبه خود رجوع و مهر خود را به صورت مجدد مطالبه کند یا خیر؟ بیان می&ZWNJ;کند: لازم می&ZWNJ;دانم تا سه حالت را از یکدیگر تفکیک کنم حالتی که پیرامون موضوع مهر مطرح می&ZWNJ;شوند و به دلیل شباهت در ظاهر در بسیاری از اوقات از سوی مردم مورد اشتباه قرار می&ZWNJ;گیرند.

حالت اول زمانی است که زوجه در خصوص مهریه، ما فی&ZWNJ;الذمه زوج را ابراء می&ZWNJ;کند. به این بیان که می&ZWNJ;گوید از نظر من تو دیگر تکلیفی برای پرداخت مهریه نخواهی داشت؛ این بیان باعث می&ZWNJ;شود تا تکلیف شوهر در ادای مهر به طور کلی ساقط شود.

حالت دوم زمانی است که زوجه در قبال طلاق، مهریه خود را به شوهر بذل می&ZWNJ;کند. بذل مهر در طلاق&ZWNJ;های خلع و مبارات انجام می&ZWNJ;شود، به این صورت که زن با پرداخت مالی به شوهر، از او می&ZWNJ;خواهد که طلاقش دهد. اگر زن در ایام عده طلاق از بذل خود رجوع کند، طلاق ملغی و کان&ZWNJ;لم&ZWNJ;خواهد شد.

حالت سوم زمانی است که زوجه مهریه خود را به زوج هبه می&ZWNJ;کند. به این بیان که می&ZWNJ;گوید من مهر خود را به تو بخشیدم؛ در این حالت است که همانند سایر اشکال هبه، تکلیف شوهر در پرداخت مهریه به طور کلی از بین نمی&ZWNJ;رود؛ چراکه زن می&ZWNJ;تواند تحت شرایطی از هبه مزبور رجوع و مهر خود را مطالبه کند.